

## جهانی شدن فرهنگ و سبک زندگی اسلامی

( تهدید یا فرصت برای ایران با تأکید بر آسیب‌شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران )

سید زکریا محمودی رجا<sup>1</sup>

چکیده

امروزه یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم در میان تحلیل‌اندیشمندان و تحلیل‌گران سیاسی - اجتماعی خصوصاً در دهه‌های پایانی قرن بیستم که بیش‌ترین دغدغه و مشغله ذهنی تمام اندیشمندان و صاحب‌نظران را برانگیخته، بحث "جهانی شدن" است که از آن تحت عنوان پارادایم مسلط در جهان نام می‌برند. عده‌ای این جهش تاریخی را فرآیندی که دربرگیرنده روابط اجتماعی و تبادل است می‌دانند "هاروی" آن را فشردگی زمانی و مکانی می‌داند، "رابرتسون" نقطه عطف جهانی شدن را آگاهی می‌داند، که بر این اساس مجموعه‌ای از مبادله‌ها در حوزه زندگی، عواطف و روابط انسان‌ها به وجود می‌آید. لذا از مجموع این تعاریف می‌توان گفت که جهانی شدن یک فرایند تدریجی و پایدار است که از گذشته دور شروع شده و ادامه دارد و روزبه‌روز بر شتاب و گستره‌ی آن افزوده می‌شود که زمینه را برای ظهور فرهنگ سوم در سایه‌ی گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، مهاجرت انسان‌ها، توریسم به کشورهای دیگر مهیا کرده و بر تمام جنبه‌های زندگی بشر خصوصاً سبک زندگی و مباحث فرهنگی تأکید اساسی می‌گذارد.

از کلیدی‌ترین و راهبردی‌ترین مؤلفه در سخنان مقام معظم رهبری و اندیشمندان اسلامی در دهه‌های اخیر تأکید بر بحث سبک زندگی است. با طرح این مفهوم، سعی در معرفی شاخصه‌های الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت بر مبنای سبک زندگی اسلامی و اندیشه‌ی بیداری اسلامی دارند. اساسی‌ترین مؤلفه‌ی تمام جهان - بینی‌ها و اندیشه‌های ناشی از مدرنیته، خصوصاً در دهه‌های پایانی قرن بیستم، تأکید جدی بر فرهنگ و شیوه‌ای است که بتواند سبک زندگی را مطابق با اهداف سیاسی، اقتصادی نظام سرمایه‌داری همراه کند. بعد از تغییر و تحولاتی که در عرصه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات دهه‌های پایانی قرن بیست رخ داد، تغییر دادن شیوه و سبک زندگی، فرهنگ و ارزش‌های جهانی، در رأس برنامه‌های غرب قرار گرفت. در همین دوران یکسری فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به عنوان رقیب برای نظام لیبرال - دموکراسی در نظر می‌گیرند، که یکی از این موارد و در واقع مهم‌ترینشان، دین اسلام است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عرصه سیاسی منطقه‌ای - بین‌المللی بازگشت، لذا از هیچ تلاشی اعم از مبارزه مستقیم و غیره مستقیم جهت حذف و نابودی و حداقل مانع قرار دادن در مسیر پیشرفت و توسعه‌ی آن دریغ نکردند.

در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، با تأکید بر آثار و اندیشه‌های رهبر انقلاب و اندیشمندان اسلامی، و دیگر اندیشمندان جهان، سعی در تبیین پارادایم مسلط حاکم در جهان یعنی جهانی شدن و تأثیری که این پدیده بر سبک زندگی و فرهنگی ما ایجاد می‌کند را مد نظر دارد و بر مهم‌ترین مؤلفه‌های

<sup>1</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان E-mail: s.z.mahmodi@gmail.com

تمدنی - فرهنگی اسلامی - ایرانی که باید مبنا و اساس سبک نوین زندگی جهت آسیب‌شناسی، شناخت پدیده جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌ها و چگونگی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در این پدیده، در رابطه با سبک زندگی قرار گیرد مورد تأکید است.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن فرهنگ، سبک زندگی نوین، ارزش‌های اسلامی، سبک زندگی غرب، انقلاب اسلامی ایران

## مقدمه

یکی از مفاهیمی که از دوران اولیه زندگی انسان‌ها مطرح بوده بحث شیوه و سبک زندگی، است. این واژه سابقه‌ای به درازای طول عمر بشریت دارد. بدین‌سان صحبت از تمدن‌ها، سبک زندگی - فرهنگ و... بابل، بین‌النهرین، مصر، ایران، روم، یونان و... می‌شود و به نوعی سبک زندگی را هم‌تراز با فرهنگ و تمدن در نظر می‌گیرند. تغییر و تحولاتی که بعد از رنسانس به وجود آمد تمام تمدن‌ها، فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرارداد و شرایط را جهت حاکم شدن اندیشه‌های انسان‌محوری و عقلانیت تک‌ساحتی و حذف و نادیده گرفتن اندیشه‌های مبتنی بر خداباوری، خدامحوری، تقدس‌گرایی و به وجود آمدن نظام‌های سیاسی با مبانی: سکولاریسم، اومانیسم، ماتریالیسم، کاپیتالیسم و... در سطح جهان فراهم ساخت. از دل همین تحولات دو نظام متفاوت لیبرالیسم و سوسیالیسم بیرون می‌آید که یکی حق و حقانیت را به فرد و هر آنچه که فرد می‌خواهد چه از نظر لذت‌گرایی، منافع مادی، آزادی به تمام معنا برای او فراهم کند. آنچه برای نظام سوسیالیسم مهم هست جامعه است نه فرد چرا که فرد جزئی از جامعه است.

به رغم اختلافات درونی فراوان اما هر دو در یک چیز مشترک هستند: که هیچ نقشی برای دین، مذهب و معنویت در عرصه نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قائل نیستند به طوری که لیبرال‌ها دین را یک امر شخصی، سنتی و مربوط به گذشته و سنت می‌دانند که هیچ توانایی و ظرفیتی برای اداره جامعه ندارد لذا باید از عرصه دولت و سیاست و اجتماع جدا باشد، و ماکسیم‌ها و سوسیالیسم‌ها دین را افیون و وسیله‌ای برای سرگرمی و مسکن توده‌ها می‌دانند.

به نظر می‌رسد جهانی شدن فرهنگ قدمتی به طول حداقل سه سده و یا بیشتر داشته باشد اما آنچه که به نوعی این گفتمان را با دیدی دیگر و به مفهوم هژمونی برتر در جهانیان نمایاند مربوط می‌شود به رقابت میان دو ابرقدرت جهان از یک طرف غرب به سردمداری آمریکا و از طرف دیگر شرق به رهبری شوروی که به این رقابت در قالب جنگ سرد از آن نام‌برده می‌شود که سرانجام این رقابت با فروپاشی شوروی و پیروزی غرب و نظام معروف به لیبرال - دموکراسی بود و پایان همین منازعات بود که اندیشمندان غربی صحبت از "پایان تاریخ"، "پایان ایدئولوژی‌ها" و "نظم نوین جهانی" و... می‌کنند و فرهنگ لیبرال دموکراسی را تکامل‌یافته‌ترین شیوه زندگی بشر که امکان رفاه توسعه در تمام ابعاد را برای بشریت به ارمغان خواهد آورد، و هیچ تمدن و فرهنگی قدرت رویارویی و توان رقابت با آن را ندارد، اما چند ماهی بعد اندیشمند معروف آمریکایی "ساموئل هانتینگتون" بحث پایان تاریخ را به نوعی بی‌اساس دانست و صحبت از "برخورد

تمدن‌ها" می‌کند که رقابت و جنگی تمام‌نشدنی در سطح جهان به وجود آمده که این رقابت قابل قیاس با سایر نبردهای قبلی نیست مواردی که باعث شد هانتینگتون به این نتیجه برسد ظهور گفتمان اسلام سیاسی در قالب انقلاب اسلامی ایران ، ظهور ابرقدرت‌های جنوب شرقی آسیا ، چین ، روسیه و... را می‌توان نام برد(دوست محمدی:1380)

تغییرات شکل‌گرفته در سده‌های اخیر حتی دهه‌ای اخیر چنان شتاب داشته است که اکثر اندیشمندان و تحلیل‌گران این واقعه را به عنوان یک شوک بر جوامع انسانی در نظر می‌گیرند به طوری که این شوک ابتدا از طریق نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد در حال شکل‌گیری بود که یک دفعه انقلاب اطلاعاتی به وسیله ارتباطات الکترونیک اینترنت به واسطه فشردگی زمان و مکانی که به وجود آورده بود زمینه را برای ایجاد "دهکده‌ی جهانی" فراهم آورد که شاید از مهم‌ترین تغییرات زندگی بشر باشند مجموعه این عوامل باعث رونق گرفتن مفهومی و پارادایمی تحت عنوان جهانی شدن گردید

اما در سال 1979 در گوشه‌ای از جهان انقلابی مردمی به رهبری روحانی برجسته بر مبنای شعار "نه شرقی و نه غربی" خود را به جهانیان اعلام کرد که حادث شدن این اتفاق تعجب همگان را برانگیخت و همه اندیشمندان و تحلیل‌گران را به واکاوی این رویداد عجیب به واکنش واداشت ، چرا که ایران اول از همه از همپیمانان اصلی غرب در استراتژیک ترین منطقه جهان بود و از دست دادن آن برای غرب ناکامی بزرگی بود از طرفی دیگر در آن مقطع هر انقلاب ، حرکتی ، جنبشی در سطح جهان به وقوع می‌پیوست با ادغام شدن در یکی از نظام‌های موجود در جهان به حیات خود ادامه می‌داد اما این انقلاب تمام این معادلات را به هم ریخت و بر پایه‌ی شعار "نه شرقی و نه غربی" بدون وابستگی به قدرت‌های بیگانه خود را به عنوان یک مدل و الگوی جدید سبک زندگی به جهانیان اعلام کرد. لذا یک سبک زندگی مبتنی بر خداپاوری و خدامحوری و تلاش برای احیای منزلت، کرامت، فطرت خدا گونه انسان که هم منابع مادی و معنوی را در بر می‌گیرد به عنوان الگو و مدل به جهانیان اعلام کرد. این حادثه آنقدر عجیب بود که به نوعی اکثر تحلیل‌گران انقلاب در سطح جهان در باره وقوع انقلاب در جهان در نظرات خود تجدیدنظر کردند و این واقعه را رخدادی نادر در سطح جهان می‌دانستند به طوری که اندیشمند نامی فرانسوی "میشل فوکو" انقلاب ایران را "دمیده شدن روحی در جهان بی‌روح می‌داند" و یا مقاله‌ی "ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند" را به نگارش در می‌آورد(فوکو، 1384).

اما این اعلامیه به مذاق آن‌هایی که فرهنگ، سبک زندگی و گفتمان لیبرال - دموکراسی را تکامل‌یافته‌ترین شیوه زندگی بشر به حساب می‌آورند خوش نیامد چرا که رقیب جدید برای آن‌ها به وجود آمده که به نوعی ستون و چارچوب آن‌ها را به چالش کشیده است لذا از همان ابتدای از هیچ اقدامی برای حذف و نابودی آن دریغ نکردند.

در رابطه با جهانی شدن فرهنگ و تأثیری گذاری که بر مناسبات سیاسی - اجتماعی جهان مد نظر دارد دیدگاهها و نظرات متفاوتی وجود دارد ، به طوری که عده‌ای با دیدی بدبینانه، آن را یک پروژه دارای اتاق فکر در راستای جهانی‌سازی جهان بر مبنای فرهنگ و سبک زندگی لیبرال دموکراسی می‌دانند؛ عده‌ای دیگر این روی داد را با دیدی پروسه محور و فرایندی مد نظر دارند و آن را برنامه‌ای جهت‌دار و هدایت‌شده نمی‌دانند

بلکه یک جریان تاریخی و تکاملی زندگی بشری می‌دانند که روزه‌روز انسان‌ها در مسیر پیشرفت و توسعه گام بر می‌دارند. (کاظمی،)

لذا نویسنده فرض را بر این می‌گیرد، هر چند سبک زندگی غرب با تغییر و تحولاتی که در حوزه ارتباطات و فناوری خصوصاً ماهواره و اینترنت به وجود آمده، درصدد حذف و نابودی فرهنگ و سبک زندگی اسلامی است، ولی همین ویژگی‌ها هم زمینه‌ای برای جهانی کردن اندیشه‌های ایرانی - اسلامی با توجه به سابقه‌ی قوی از لحاظ جهان‌شمولی اهداف و آرمان‌ها و تمدنی غنی و تأثیرگذاری سبک زندگی اسلامی و گسترش این فرهنگ می‌شود؛ مشروط به تلاش و توسعه دوچندان در عرصه فناوری ارتباطی - تکنولوژیک و فضای مجازی است.

این مقاله در صدد تبیین سبک زندگی از منظر پارادایم جهانی شدن در مقابل، معیارهای سبک زندگی اسلامی - ایرانی به عنوان مدل بدیل سبک زندگی غربی را تبیین و تحلیل کند و معیارهای سبک زندگی اسلامی را مشخص و به آسیب‌شناسی سبک زندگی اسلامی در برابر غرب بپردازد.

### جهانی شدن و تغییر سبک زندگی

جهانی شدن: یکی از موضوعات چالش‌برانگیز میان اندیشمندان و تحلیل‌گران سیاسی - اجتماعی بحث جهانی شدن<sup>۲</sup> هست.

اگرچه واژه‌ی **Global** قدمتی بیش از 400 سال دارد، اما گلوبالیزیشن (**Globalization**) تقریباً از سال 1961 به بعد بر سر زبان‌ها افتاد. به طور کلی این واژه در طول دهه‌ی هفتاد میلادی پس از انتشار کتاب "جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی" "مک لوهان"<sup>۳</sup> و "برژینسکی"<sup>۴</sup> در کتاب خود مبنی بر نقش آمریکا در رهبری جهان از این واژه استفاده کردند، بر سر زبان‌ها افتاد، هرچند که جهانی شدن سابقه‌ای طولانی و گسترده دارد و حتی سابقه‌ی آن را به درازی طول عمر بشر و یک روند طبیعی که تکامل‌یافته‌ترین شیوه زندگی بشر و ناشی از مدنی الطبع بودن زندگی بشر و حتی بسیاری آن را همتراز با بسیاری از ادیان، تمدن‌ها، امپراتورها، دولت‌های قدیمی چه بسا ایدئولوژی‌ها<sup>۵</sup> که بر اساس مقتضیات روز خودشان در صدد گسترش اهداف و افکار خود در سایر مناطق بودند، می‌دانند، (افروغ، 1388: 25 - 32)، ولی آنچه که باعث شکل‌گیری این مفهوم به عنوان یک مفهوم نوین و پارادایمی<sup>۶</sup> جدید در ده‌های پایانی قرن بیستم گردید، به تحولات و پاره‌ای از مسائل همچون: سقوط شوروی پس از پایان جنگ سرد<sup>۷</sup>، فروپاشی دیوار برلین، توسعه‌ی فناوری‌های ارتباطی اطلاعاتی - ارتباطی، کاهش و از بین رفتن قدرت دولت‌ها در اداره‌ی مرزهای ملی جغرافیایی خود، به وجود آمدن سازمان‌های اقتصادی - سیاسی منطقه‌ای - بین‌المللی در جهان و... بر می‌گردد (شهرام نیا 1386: 16).

<sup>2</sup> Globalization

<sup>3</sup> McLuhan

<sup>4</sup> Brzezinski

<sup>5</sup> Ideology

<sup>6</sup> Paradigm

<sup>7</sup> Cold war

در رابطه با جهانی شدن تعاریف و برداشت‌های گاهاً متناقض و متفاوتی وجود دارد و تعریف واحدی دیده نمی‌شود اما از مجموع این تعاریف پدیده می‌توان بر مواردی چون: فرآیند فشردگی زمان و مکان<sup>۸</sup>، وابسته شدن بخش‌های مختلف جهان به هم، همگونی و تنوع و تکثر فرهنگ‌ها، (نش<sup>۹</sup>: 1387: 70-75) ادغام همه‌جانبه‌ی جهان در هم، کاهش دخالت دولت در محدود کردن اختیارات شهروندان، و از بین رفتن مرزهای ملی به واسطه‌ی پیشرفت‌ها در عرصه‌های تکنولوژی<sup>۱۰</sup> و ارتباطات و.. اشاره کرد(شهرام نیا 1386: 34). جهانی شدن به عنوان فرآیند فشردگی زمانی - مکانی است، که در نتیجه‌ی آن افراد بشری به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه‌ی واحد جهانی ادغام می‌شوند و بسیاری از محدودیت‌های سیاسی - جغرافیایی، ترتیبات فرهنگی - اجتماعی از بین می‌روند یا کاهش می‌یابند( همان: 66). رابرتسون نقطه‌ی عطف جهانی شدن را "آگاهی"<sup>۱۱</sup> می‌داند که در اثر این فرآیند زمینه برای ادغام همه‌ی مردم جهان در جامعه واحد فراهم می‌شود. لذا جهانی شدن را فرآیندی توصیفی - تدریجی می‌دانند که از گذشته دور شروع شده و هنوز هم ادامه دارد و روزبه‌روز بر گستره‌ی آن افزوده می‌شود( گل محمدی 1386: 48). جهان در سیصد سال گذشته در معرض طوفان سهمگین تغییر و تحول قرار گرفته است که شاید اوج این تغییرات مربوط به چهل سال گذشته باشد که با موج سوم انقلاب تحت عنوان انقلاب انفورماتیک<sup>۱۲</sup> به سمت دگرگونی پیش می‌رود که مجموعه‌ی این موارد زمینه را برای دهکده‌ی جهانی<sup>۱۳</sup> که همانا جهانی شدن فرهنگ است به عنوان یک پارادایم مسلط در جهان در حال گسترش هست مهیا کرده است (احمدی 1383: 8).

به طور کلی جهانی شدن به عنوان پارادایم حاکم در جهان مربوط است به نظرات و دیدگاه‌های اندیشمندان متأخر اروپایی چون آنتونی گیدنز<sup>۱۴</sup>، دیوید هاروی<sup>۱۵</sup>، رولند رابرتسون<sup>۱۶</sup>، مارتین آلبرو<sup>۱۷</sup>، دیوید هلد<sup>۱۸</sup>، مایک فدرستون<sup>۱۹</sup> و... است( شهرام نیا، 1386: 130 - 142). "هاروی" به فرارسیدن دوره‌ای جدید از زندگی بشر اشاره می‌کند که با دوران ماقبل از آن متفاوت است، که در این عنصر اصلی و بنیادین همانا فشردگی فضا و زمان به واسطه‌ی رنسانس<sup>۲۰</sup> و تحولات ناشی از آن است که ابتدا با اختراع ساعت شروع شد و به تدریج با پیشرفت‌هایی در عرصه‌ی فناوری ارتباطی، رشد و گسترش حمل‌ونقل شدیدترین مرحله‌ی فشردگی زمان و مکان در تمام ابعاد زندگی بشر ایجاد شد.( نش 1388: 85 - 89).

8 Compaction process: time and space

9 Kate Nash

10 Technology

11 knowledge

12 Informatics Revolution

13 Global Village

14 Anthony Giddens

15 David Harvey

16 Roland Robertson

17 Martin Lbrv

18 David Held

19 Mike Featherstone

20 Renaissance

"گیدنز" همانند هاروی جهانی شدن را معلول پدیده‌ی تجدد و مدرنیته می‌داند که در این فرآیند دولت - ملت اهمیت خود را از دست داده است. وی ضمن رد دیدگاه‌های کسانی که جهانی شدن را از منظر اقتصادی می‌نگرند، بر جنبه‌های مختلف خصوصاً اجتماعی - فرهنگی آن تأکید می‌کند. وی جهانی شدن را حاصل برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان می‌داند که امکان کنش و ارتباط بشری در سایه رشد و گسترش امکانات ارتباطی - اطلاعاتی را فراهم کرده است (گیدنز، 1377: 58).

"رابرتسون" از دیگر نظریه‌پردازان مهم جهانی شدن است که همانند گیدنز نگاه تک علتی به جهانی شدن از نوع اقتصادی را رد می‌کند و به دو بعد ذهنی و عینی این پدیده پرداخته است یعنی علاوه بر فشردگی زمانی و مکانی که جنبه‌های عینی این پدیده هستند به افزایش عنصر آگاهی به عنوان نقطه‌ی عطف جهانی شدن و بعد ذهنی آن پرداخته است. "دیوید هلد" جهانی شدن را بیشتر از منظر سیاسی بررسی کرده است و بر دموکراسی جهانی تأکید دارد و آن را فرآیندی می‌داند که به تضعیف دولت - ملت<sup>۲۱</sup> و سرانجام به استقرار حکومت جهانی<sup>۲۲</sup> به جای حکومت ملی می‌انجامد، می‌پردازد. لذا به نظر می‌رسد نظرات هلد در قبال جهانی شدن بر همبستگی و یک پارچگی جهان که همان جهان‌گستری باشد تأکید دارد تا جهانی شدن (هلد، 1388: 60 - 85).

### عوامل مؤثر بر پدیده‌ی جهانی شدن؟

در این رابطه سؤال اساسی که ذهن اکثر اندیشمندان و تحلیل‌گران را به خود مشغول کرده این است، که آیا جهانی شدن یک رخداد خاص تاریخی است؟ آیا این پدیده خودبه‌خود و ارادی است یا اراده‌ی خارجی در شکل‌گیری و رشد آن مؤثر است؟ آیا این رویداد خواست و اراده‌ی کشورهای قوی جهت گسترش و سلطه‌ی خود در مناطق جهان است یا خواست فقرا، تهیدستان جهان و احتمالاً خردورزان و بشردوستان جهان جهت ایجاد یک نظام اقتصادی که هدف آن کاهش فاصله میان افراد غنی و فقیر و از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی است؟

### عوامل مهمی را که می‌توان به عنوان مؤلفه‌های مؤثری بر جریان جهانی شدن در نظر گرفت:

1) رشد علم و گسترش دنیای ارتباطات و اطلاعات و توسعه‌ی فناوری‌ها به ویژه در دهه‌ی اخیر که به تراکم و انسجام بیش‌تر دنیا کمک فراوانی کرده است، 2) توسعه بازار و اقتصاد و تجارت جهانی که ناشی از تولید فراوان - پیشرفت در عرصه‌های ارتباطی - حمل‌ونقل - تغییرات در شیوه تولید، ابزار تولید و به وجود آمدن نهادهای فراملی که نقطه‌ی عطف این محرک این جریانات بود (شهرام نیا 1387: 120 و کاظمی، 88: 57). 3) گسترده شدن و جهانی شدن بسیاری از مسائل سیاسی - اجتماعی بشر همچون: مسائل مربوط به سیاره‌ی زمین، مباحث زیست‌محیطی، جنگ‌ها، مواردی که مربوط به بشر است چون: حقوق بشر، و تروریسم، صلح، و... که باعث تسریع این فرآیند شده است. (نش 1388: 76 - 78).

The nation-state<sup>21</sup>  
Global Governance<sup>22</sup>

4) به وجود آمدن نهادهای فراملی و پیمان‌های منطقه‌ای - بین‌المللی که تجربه‌ای موفق از دولت - ملت‌ها جهت پیشرفت و توسعه فراهم کردند مثل : اتحادیه‌ی اروپا، سازمان ملل و...

5) برخی از وقایع سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی در جهان مثل : فروپاشی شوروی ، جنگ جهانی دوم ، قانع شدن افکار عمومی جهان جهت مبارزه با تروریسم<sup>۲۳</sup> و مطرح‌شدن مباحث امنیت<sup>۲۴</sup> ، صلح<sup>۲۵</sup> و... در جهان ، بازگشت و احیای معنویت<sup>۲۶</sup> پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قالب اسلام سیاسی ، نقد مدرنیسم و به وجود آمدن اندیشه‌ی پست مدرنیسم<sup>۲۷</sup> و جنبش‌های اجتماعی جدید و... (افروغ، 1388: 40 - 48).

### ابعاد جهانی شدن:

در رابطه با جهانی شدن باید اشاره کرد که جهانی شدن یک پدیده‌ی چند بعد است که همزمان پدیده‌ای اقتصادی - سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و فنی است و لذا یک رهیافتی کل نگر است که همزمان لایه‌های مختلف جامعه را مد نظر دارد. به طور کلی جهانی شدن در پنج بعد : فنی - تکنولوژیک، اقتصادی<sup>۲۸</sup> ، سیاسی<sup>۲۹</sup> ، فرهنگی - ارتباطی<sup>۳۰</sup>، اجتماعی قابل تمایز است

1) بعد فنی تکنولوژیک: این بعد طی چند سال اخیر به آن افزوده شده است که از آن تحت عنوان انقلاب صنعتی سوم نام می‌برند که در دهه‌های انتهایی سده بیستم و ابتدای سده بیست و یکم منجر به تغییرات نوینی در حوزه‌ی ارتباطات - اطلاعات شیوه مصرف و سبک زندگی گردیده است. (شهرام نیا، 1386: 54)

2) بعد اقتصادی : خیلی‌ها جهانی شدن را با مفهوم اقتصادی می‌شناسند و عینی‌ترین وجه غالب این فرآیند را بعد اقتصادی آن می‌دانند چرا که از لحاظ تاریخی هم بر سایرین تقدم دارد. منظور از جهانی شدن اقتصاد روندی است که تحت تأثیر اتفاقات مختلفی چون : پیشرفت‌های فنی، ظهور قدرت‌های جدید صنعتی، شکل‌گیری منطقه‌ای - جهانی اقتصادی ، توسعه‌ی صنعت حمل‌ونقل، جابجایی گسترده‌ی سرمایه در سطح جهان و... است که باعث شده است تا فرآیندهای مالی از کنترل دولت‌های ملی خارج شود و زمینه را برای نمود و ظهور شرکت‌های چندملیتی<sup>۳۱</sup> در سطح جهان فراهم کند. (تارو 1383: 90\_104)

Terrorism<sup>23</sup>

Security<sup>24</sup>

Peace<sup>25</sup>

Spiritual Revival<sup>26</sup>

Postmodernism<sup>27</sup>

Economic<sup>28</sup>

Political<sup>29</sup>

Cultural communication<sup>30</sup>

Multinational companies<sup>31</sup>

جهانی شدن اقتصاد در حوزه‌های مختلفی اثر گذاشته است: الف) منجر به جهانی شدن تجارت گردیده است که تأسیس سازمان تجارت جهانی<sup>۳۲</sup> نمود عینی آن است ب) سرمایه‌گذاری خارجی: این مورد سبب تسریع تجارت جهانی، دادوستد، مبادله‌ی سهام، وام‌های خارجی و... سبب جابجایی میلیاردها دلار پول در میان بخش‌های مختلف جهان شده است. (شهرام نیا، همان: 124)

پ) تقسیم کار بین‌المللی<sup>۳۳</sup>: محصول تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی است که زمینه را برای تقسیم جهان به توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و جهان سوم فراهم است.

ت) اقتصاد بازار آزاد: وجوه اصلی جهانی شدن همانا بازار آزاد رقابتی است که در پی توسعه‌ی ارزش‌های لیبرالیستی، به دنبال افزایش تولید، توزیع و صادرات به دیگر کشورهاست. در این دادوستد بازار عامل توسعه و پیشرفت هست که باید زمینه را برای خصوصی‌سازی، رقابتی بودن بازار، مبادله سریع و آسان که ویژگی‌های اصلی جهانی شدن هستند را فراهم کند

ج) به وجود آمدن شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی: که در واقع این‌ها سردمداران جهانی شدن اقتصاد هستند که به دنبال فراهم کردن شرایط تجارت جهانی، بازار آزاد رقابتی، تقسیم کار سرمایه‌گذاری خارجی و کمرنگ کردن نقش دولت در اقتصاد و مرزهای ملی هستند

### 3) بعد سیاسی:

بعد دیگر جهانی شدن که به بررسی و زیر سؤال بردن و کم کردن نقش دولت - ملت به عنوان بازیگر اصلی نظام جهانی که سابقه‌ی طولانی داشت بر می‌گردد لذا بر مواردی چون کاهش خودمختاری و اقتدار دولت‌ها، عقب‌نشینی دولت‌ها و حتی در بعضی مواقع به انقراض آن‌ها تأکید دارد. اما عده‌ای بر خلاف این نظر جهانی شدن را باعث قدرتمند تر شدن دولت ملت‌ها در نظر می‌گیرند، اما آنچه که در جریان این پدیده مدنظر هست نابودی و انقراض دولت - ملت نیست بلکه کاهش نظارت و تغییر دادن، شیوه‌ی حکومت کردن این نهاد بر می‌گردد که مثل سابق نیست و در کنار دولت سایر بازیگران فراملی، NGO ها، سازمان‌های فراملی باعث کاهش اقتدار داخلی دولت ملت‌ها گردیده است (بشیریه، 1380: 80-93).

4) بعد فرهنگی: این بعد از جهانی شدن به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان ستون و پایه‌ی جهانی شدن است، چرا که امروزه ثابت شده است تمام ابعاد دیگر جهانی شدن از شیوه‌ی فرهنگی قابل انتقال است، این جنبه بیشتر همان مفهوم فشرده‌ی زمانی و مکانی که سبب جهانی شدن فرهنگ و ایجاد سبک زندگی می‌شود. در رابطه با جهانی شدن فرهنگ یک سؤال که ذهن اندیشمندان و تحلیل‌گران را به واکاوی این روی داد واداشته است این است که آیا جهانی شدن فرهنگ زمینه همگونی و تسلط یک فرهنگ خاص می‌شود یا دیگر فرهنگ‌ها هم در این فرآیند قدرت عرض اندام و خودی نشان دادن را دارند؟

در رابطه با جهانی شدن فرهنگ مفاهیم اساسی همانا: ترویج جهان‌گستری مصرف‌گرایی<sup>۳۴</sup> و ایجاد سبک زندگی، تنوع و تکثر کالاهای فرهنگی، خرید کردن به عنوان یک ارزش و جزئی از زندگی، گسترش صنایعی

WTO<sup>32</sup>

International division of labor<sup>33</sup>

Consumerism<sup>34</sup>



چون : توریسم<sup>۳۵</sup>، فضانوردی، تبلیغات گسترده از طریق گسترش در فضای ارتباطی اطلاعاتی در تمام ابعاد محلی، ملی و بین‌المللی را مدنظر دارند (گل محمدی، 52:1386)

5) بعد اجتماعی : جهانی شدن علاوه بر تأثیراتی که در حوزه‌های یادشده بر جای گذاشته است در بعد اجتماعی هم در مواردی چون : شکل‌گیری هویت‌های فراملی، علایق جهان وطنی<sup>۳۶</sup>، تنوع و تکثر هویت‌ها، شکل‌گیری جنبش‌های جدید نو گرایانه در قالب جنبش‌های فمینیسم<sup>۳۷</sup>، هم جنس‌گرایان<sup>۳۸</sup> و...، مهاجرت گسترده به دیگر کشورها چه تحصیلی، کاری و...، مسائل مربوط به زیست بومی، سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با امنیت، رفاه و حقوقی برای افراد بشری و... تأثیرگذار بوده است (نش، 1388: 219\_229)

### جهانی شدن پروژه<sup>۳۹</sup> یا پروسه<sup>۴۰</sup>:

در این رابطه سه نگرش وجود دارد:

(1) جهانی شدن به عنوان یک پروسه تاریخی.

(2) جهانی شدن به عنوان یک پروژه غربی.

(3) جهانی شدن به عنوان یک پدیده<sup>۴۱</sup>

در رابطه با جهانی شدن فرهنگ عده‌ای با دیدی پروژه محورانه - بدبینی - جبرگرایانه<sup>۴۲</sup> به این پدیده نگاه می‌کنند که یک پروژه سازمان‌دهی شده نظام سرمایه‌داری جهت گسترش خود در سراسر نقاط جهان است، که با همگونی فرهنگ‌ها و از بین رفتن هویت‌ها به دنبال استثمار<sup>۴۳</sup> و استعمار<sup>۴۴</sup> غیره مستقیم منابع دیگر کشورها است و سیطره و هژمونی<sup>۴۵</sup> فرهنگ غرب آن هم از نوع آمریکایی (مکدونالدیزه کردن<sup>۴۶</sup>، هالیوودی<sup>۴۷</sup>) را اساس و باطن این فرهنگ می‌دانند. ما شاهدیم که نظام مبتنی بر سرمایه‌دار برای اینکه مازاد کالاهای تولیدی خود را به فروش برساند مجبور به ایجاد بازارها و مراکزی در دیگر کشورهاست (لنین، 1375: 60) لذا از نظر این‌ها تنها راهی که می‌تواند هویت و فرهنگ ما را در مقابل این هجوم هدایت‌شده مصون نگه دارد همانا اقدامات فرهنگی و مقاومت و انقلاب فرهنگی است (احمدی 1383: 4).

Tourism<sup>35</sup>  
Cosmopolitan<sup>36</sup>  
Feminism<sup>37</sup>  
Homosexuals<sup>38</sup>  
Project<sup>39</sup>  
Process<sup>40</sup>  
Phenomenon<sup>41</sup>  
Deterministic<sup>42</sup>  
Exploitation<sup>43</sup>  
Colonization<sup>44</sup>  
Hegemony<sup>45</sup>  
McDonald out<sup>46</sup>  
Hollywood<sup>47</sup>

در مقابل این‌ها عده‌ای دیگر به این پدیده با دیدی مثبت می‌نگرند و آن را به شکلی پروژه‌ای و دارای اتاق فکر هدایت‌کننده نمی‌دانند بلکه آن را یک فرآیند در حال شدن و طبیعی رشد تکامل زندگی بشری می‌دانند که در تمدن‌ها<sup>۴۸</sup> و ، ادیان و امپراتوری حتی ایدئولوژی‌هایی این مفهوم وجود داشت اما آنچه که موجب احیای این مفهوم گردیده مربوط می‌شود به تحولات و اتفاقاتی که در عرصه‌ی فناوری اطلاعات - ارتباطات، فروپاشی شوروی، و... است، که به دنبال زندگی توسعه‌یافته برای همه‌ی بشریت است لذا صحبت از پایان تاریخ<sup>۴۹</sup>، نظم نوین جهانی<sup>۵۰</sup> و ... می‌کنند و این فرآیند را بزرگ‌ترین موهبت و هدیه جهت پیشرفت و توسعه‌ی دیگر مناطق می‌گردد.

عده‌ای دیگر معتقدند که این یک روی داد و پدیده‌ی در حال اتفاق افتادن است چه پروژه باشد و چه پروسه باید نهایت استفاده از آن را ببریم به جای اینکه در مقابل آن تسلیم بشویم یا مقاومت جانانه بکنیم می‌توانیم از فرصت به دست آمده جهت عرض اندام خود در جهان استفاده کنیم چرا که جهانی شدن فقط همگونی و تسلط فرهنگی خاص نیست بلکه ایجاد فرهنگی سوم<sup>۵۱</sup> در این روی داد است که سبب فرصت برای بروز و نمایش فرهنگ‌ها متنوع، خرده‌فرهنگ‌ها<sup>۵۲</sup> در عرصه جهانی می‌شود که تا پیش از آن حرفی برای گفتن نداشتند. لذا با دیدی عام نگر به این پدیده نگاه می‌کنند که فرهنگ‌ها باهم در تعامل‌اند و فرهنگی قدرت و سیطره و برتر می‌شود که بتواند جذابیت بیشتری برای افراد مجموعه گروه اقشار و طبقات، قوم‌ها فراهم کند هر فرهنگی که بتواند از پتانسیل و ظرفیت بالایی برخوردار باشد می‌تواند افراد بیشتری را جذب کند. و هیچ‌گاه زور تحمیل و... زمینه را برای همگونی فرهنگی فراهم نمی‌کند که شاید مثال عینی آن را بتوان در اتحاد جماهیر شوروی مشاهده کرد که به رغم تلاش فراوان از سوی مقامات کشوری برای همگونی فرهنگی ملت‌های این کشور حتی با توسل به زور نظامی ولی سرانجام نتیجه‌ای جز فروپاشی شوروی و حفظ تنوعات قومی مذهبی را در پی نداشت لذا طبق گفته "فوکو"<sup>۵۳</sup> هر جا که قدرتی هست مطمئناً مقاومتی هم هست (همان ص 4-7)

### جهانی شدن و تأکید اساسی بر مفهوم سبک زندگی

به نظر می‌رسد جهانی شدن با مفهوم اقتصادی پیوند عمیقی دارد و به نوعی بعد اقتصادی آن به وضوح و عینی دیده می‌شود همین جاست که خیلی‌ها این پدیده را اقتصادی می‌دانستند ولی آنچه که به نظر می‌رسد حتی در همان دوران اولیه هم در بطن جهانی شدن به خصوص از اواخر قرن بیستم باشد و مورد تأکید است بعد فرهنگ جهانی است چرا که فرهنگ<sup>۵۴</sup> در تمام عرصه‌ها تأثیرگذار بوده است چرا که اگر فرهنگ را بتوانی تغییر بدهی سایر ابعاد خودبه‌خود فراهم می‌شود (آرامکی 1377: 30). یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم در میان تحلیل‌اندیشمندان و تحلیل‌گران سیاسی اجتماعی، جهانی شدن فرهنگ

Civilizations<sup>48</sup>

The End of History<sup>49</sup>

New World Order<sup>50</sup>

The Third Culture<sup>51</sup>

Subcultures<sup>52</sup>

Michel Foucault<sup>53</sup>

Culture<sup>54</sup>

است به طوری که امروزه به نوعی ثابت شده است که ستون و شالوده‌ی اصلی جهانی شدن همانا فرهنگ است و امروزه همه چیز در سایه‌ی فرهنگ امکان‌پذیر هست (باوند 1378 ص 9-12)

جهانی شدن عمدتاً جریانی فرهنگی است تا سیاسی و اقتصادی و مفهوم فرهنگ لازمه ورود به سایر بحث‌هاست (آرامکی 1386 ص 15) و جهانی شدن که تمام تلاش خود را در تعامل و پیوستگی قرار داده است تنها در صورتی می‌تواند به این ادعا دست رسی پیدا کند که عامل فرهنگ مورد تأکید قرار گیرد

اصولاً فرهنگ برای جهانی شدن به این دلیل اهمیت دارد که سایر جنبه‌ها جهانی شدن از طریق فرهنگ امکان‌پذیر است و فرهنگ قوام‌بخش ارتباطات در تمام زمینه‌هاست (تامسون<sup>55</sup> 1995 ص 40) اما از طرفی دیگر جهانی شدن هم برای فرهنگ مهم است چرا که فرهنگ در معنای قدیمی خود یک ایده‌ای محلی بود است و جهانی شدن یک فرآیندی است که می‌خواهد این فرهنگ از قید و بند محلی - منطقه‌ای خارج شود و فرهنگ اصیل و اصلی و مسلط بر جهان گسترده شود چنانچه "گلیفورد"<sup>56</sup> در اثرش به نام " فرهنگ مسافر" بر جدا کردن فرهنگ‌ها از محل تأکید می‌کند (گلیفورد 1992) لذا از آن جهت که فرهنگ یک پدیده‌ای متحرک و نه ساکن است و در پی گسترش و چالش کشیدن مفهوم سنتی محلی گرایانه است با جهانی شدن ارتباط تنگاتنگی دارد. و از طرفی دیگر هم جهانی شدن از آن جهت که با ابعاد مختلف خود مرزهای ملی را درنوردیده است، امکان گفت‌وگو غیره حضوری، پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های ارتباطی اطلاعاتی در تمام زمینه‌ها ایجاد کرده برای فرهنگ مهم است (کاظمی، 1380: 51-55)

به طوری که این امر از طریق دگرگونی ارتباطی و پیشرفت‌های فناوری این امر میسر شده است و زمینه را برای به وجود آوردن یک منبع فرهنگی برای مردم ایجاد کرده است که تا قبل از آن فاقد آن بودند و آن هم افزایش آگاهی افراد بشر است (رابرتسون 1992: 8).

### سبک زندگی ایرانی - اسلامی در مواجهه با جهانی شدن

در سال 1979 یک حادثه نادر و عجیب در جهان رخ می‌دهد که باعث به وجود آمدن یک انقلابی اسلامی به رهبری یک فردی روحانی به نام امام خمینی (ره) می‌شود، انقلابی که محور و بنیان اصلی خود را بر اندیشه توحید، خداباوری، خدامحوری و احیاء مذهب و معنویت و روحانیتی بود که در سایه فرهنگ غربی به سکوت و انزوا گراییده بود قرار می‌دهد، لذا در صدد احیای این مفاهیم بر آمد و با کشیدن خط بطلان بر تمام اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها<sup>57</sup> شعار خود را بر مینا "نه شرقی و نه غربی" خود را به عنوان یک الگو و مدل، نظام سیاسی اجتماعی، نظام تفکر و سبکی زندگی جدید به جهانیان اعلام کرد (محمدی، 1381: 110).

بنابراین در پی این تغییر و تحولاتی که پس از انقلاب اسلام ایران در جهان رخ داد دولت‌ها و اندیشمندان غرب، اسلام را که نماینده اصلی آن ایران می‌دانند را به عنوان رقیب اصلی برای خود در نظر گرفتند به طوری که ما مشاهده می‌کنیم از همان آغاز انقلاب از تمام امکانات و وسایل چه سخت‌افزاری چه نرم‌افزاری برای ضربه زدن و از بین بردن این انقلاب که باعث به وجود آمدن یک نظام فکری جدید شده است استفاده کردند

Thomson<sup>55</sup>

Glyfvrđ<sup>56</sup>

Worldview<sup>57</sup>

امروزه جهانی شدن امکان این مبادله فرهنگی<sup>۵۸</sup> را به طرُق مختلف و با تکنولوژی پیشرفته ارتباطی بسیار سهل و سریع ساخته است. اما درعین حال خطرات غلبه فرهنگی، تاراج فرهنگی و استعمار فرهنگی<sup>۵۹</sup> وجود دارد. اینجاست که این سؤال اساسی برای ما پیش می آید که، چه باید کنیم. ایران چگونه می تواند در این عرصه، که خواسته یا ناخواسته درگیر آن هستیم، با مهار تهدیدهایی که جهانی شدن به همراه دارد، از امکانات این فضای جهانی بهره جوید؟

ایران کشوری است که دارای فرهنگ و تمدنی غنی، پویا است به طوری که زمانی امپراتور محسوب می شد و از طرف دیگر وجود دین مبین اسلام به عنوان یک دین جهان شمول و اینکه بدون نگاه به طبقه، نژاد، رنگ، مذهب خاص به عنوان آخرین، تکمیل کننده ترین دین، که برای تمام مراحل زندگی بشر برنامه و حرف هایی برای گفتن دارد خود را به جهانیان معرفی کرده است (حقیقی، 1391: 35).

از طرفی دیگر وجود مذهب پویا و خود را وفق دادن با مقتضیات روز، شیعه در ایران برخلاف تفکران خشک و سلفی مذهب سایر کشورها و وجود، مفهوم مهم اجتهاد و ولی فقیه در جامعه و از طرفی دیگر موقعیت ژئوپولیتیک<sup>۶۰</sup> - استراتژیک<sup>۶۱</sup> ایران، منابع کافی نیروی انسانی و منابع طبیعی و... همگی به عنوان پوئن مثبت برای ایران برای رقابت در فرهنگ جهانی و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی که به شدت هم مد نظر جهانی شدن فرهنگ هستند به عنوان ظرفیت و پتانسیل موجود ایران برای تبدیل تهدیدها به فرصت در جریان جهانی شدن فرهنگ وجود دارد (افروغ، 1387: 84 - 96).

اما در عصر جهانی شدن که به قول "فدرستون" عصر همگونی فرهنگ و یکپارچگی جهان بر مبنای فرهنگی واحد و خاص نیست بلکه امکان مشارکت و حضور همه فرهنگها به واسطه پیشرفت در عرصه ارتباطات رسانه ای و الکترونیک فراهم شده و از سوی دیگر دولت - ملت به عنوان تنها بازیگر اصلی جهان کارایی خود را از دست داده است (نش 1387: 90 - 115) امکان حصار کشیدن، انزوا و... نیست چرا که فرهنگها برای پیشرفت و پویایی خود نیاز به تعامل و همکاری میان ابنای بشر است و این ذات فرهنگ است لذا یک فرصت سومی برای همه جهت تأثیرگذار فراهم شده و فرهنگی که توان جذب، پتانسیل بیشتر، جهان شمولی بیشتر با اهداف بشری داشته باشد موفق تر عمل می کند

لذا در عصر جهانی شدن که عرصه تعامل گفت و گو همه ی فرهنگها فراهم شده و انقلاب ایران بر پایه ی وامدار دو تمدن بزرگ ایرانی - اسلامی، ایجاد یک مدل و الگوی جدید برای حفظ و احیای کرامت، عزت بشری، و آرمان هایی که با سعادت دنیوی و اخروی بشری همراه است در کنار آن موقعیت استثنایی ایران در مهم ترین منطقه جهان، موقعیت عالی نیروی انسانی و وجود مدل و الگوی دارای ظرفیت به روز شدن عظیم تحت عنوان اجتهاد<sup>۶۲</sup> و... می تواند در عصر جهانی شدن فرهنگ خود راه به جهانیان اعلام کند لذا این شاید

Cultural Exchange<sup>58</sup>  
Cultural Imperialism<sup>59</sup>  
Geopolitics<sup>60</sup>  
Strategic<sup>61</sup>  
Ijtihad<sup>62</sup>

از جهتی تهدیدی بزرگ برای ما محسوب شود ولی از طرفی دیگر بزرگ‌ترین موهبت و فرصت جهت اعلام آرمان‌های جهان‌شمول ما به جهان فراهم می‌شود (نوازی، 1382: 50 - 59). در این رابطه باید نحوه‌ی اتخاذ سیاست‌های عقلانی و منطقی برای تأثیرگذار در سطح جهان از طریق تعامل سازنده با کشورهای دیگر، نشان دادن اینکه ما مردمی صلح‌طلب و فاقد آن دیدی هستیم که در سراسر جهان علیه ما به تصویر کشیده شده و جهت تغییر دادن افکار عمومی که در عصر جهانی شدن فرهنگ امری لازم و ملزوم است. در کنار این‌ها ما باید به شدت در عرصه فناوری‌های ارتباطی و تکنولوژیک اهتمام فوق‌العاده‌ای داشته باشیم (سریع القلم 1384: 50 - 60)

### جهانی شدن و فرهنگ و سبک زندگی ناشی از آن برای ایران: تهدید یا فرصت

در این قسمت ابتدا با نقد و بررسی گفتمان‌های مطرح و غالب حوزه فرهنگی جهانی شدن، به تشریح وضعیت فرهنگی جامعه خود در خصوص مواجهه با جهانی شدن پرداخته، و سپس با بسط مسئله فرهنگی جامعه امروز ایران به تبیین چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این دو پدیده می‌پردازیم.

در خصوص رابطه جهانی شدن و فرهنگ سه دیدگاه یا گفتمان متفاوت حاکم است:

1- گفتمان نخست، از آن کسانی است که معتقدند «قانون آهنین بازار سرمایه‌داری پیروز و مستقر شده است» (رجایی، 1382) و راهی جز تسلیم در برابر این روند جهان‌گستری نظام غرب وجود ندارد. راه نجات و جبران عقب‌ماندگی جوامع جهان‌سومی<sup>63</sup> پیروی و دنباله‌روی از جوامع غربی و صنعتی است. این نوع نگرش تسلیم و منفعلانه را در اندیشه نظریه‌پردازان مکتب نوسازی<sup>64</sup> هم سراغ داریم. این مکتب در نسخه‌ای که برای جوامع در حال توسعه و عقب‌مانده می‌پیچد؛ تنها راه برون‌رفت از حلقه‌ی عقب‌ماندگی را پیمودن مسیری می‌داند که کشورهای پیشرفته طی کرده‌اند. طرد فرهنگ سنتی و اخذ ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غربی را در فرایند فرهنگ‌پذیری<sup>65</sup> لازمه حرکت درونی این جوامع ارزیابی کنند.

در جامعه ما این نوع گفتمان سابقه تاریخی دارد. بعد از انقلاب مشروطه و در دوره‌های پهلوی اول و دوم، گفتمان حاکم در تمام حوزه‌ها، بالاخص حوزه فرهنگی، همین گفتمان تسلیم و تعقیب بود. جمله معروف سید حسن تقی‌زاده خود بیان روشن این ادعا است که می‌گفت "باید از فرق سر تا نوک پا بدون هیچ پرسشی غربی شویم". نتیجه چنین نگاهی جز وابستگی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بی‌هویتی حاصل دیگری در بر ندارد.

---

Third World<sup>63</sup>  
Modernization<sup>64</sup>  
Acculturation<sup>65</sup>

2- گفتمان دوم، که نقطه مقابل دیدگاه نخست است، گروهی را شامل می‌شود که نگاه دفعی و منفی به روند جهانی شدن دارند و معتقدند جهانی شدن پروژه‌ی هدایت‌شده‌ای است که به اضمحلال و نابودی فرهنگ‌های مختلف و استیلای هژمونی فرهنگ غربی و آمریکایی می‌انجامد. راهکاری که این گفتمان ارائه می‌دهد «پشت کردن و در صورت امکان مبارزه با جهانی شدن» (رجایی، 1382) است. به زعم این دسته روند جهانی شدن به توسعه امپریالیسم فرهنگی که همان «آمریکایی شدن»<sup>66</sup>، «مک دونالدیزاسیون» و «کوکولایزاسیون»<sup>67</sup> است، منجر شده است این گروه با ابراز نگرانی از این وضعیت راهکار اعراض و پشت کردن و در صورت امکان مبارزه با این پدیده جهان‌شمول را توصیه می‌کنند (باقری نصر آبادی 1390: 37)

3- گفتمان سوم، گفتمان انتقادی است. پیروان این دیدگاه نه تسلیم و تعقیب بی‌چون و چرای تجویزی گروه نخستین را می‌پذیرند و نه همچون گروه دوم از سر اعراض و دشمنی با جهانی شدن برخوردار می‌کنند. متفکرین این نگرش معتقدند که «در کنار تاثیرات نرم‌افزاری و پروژه‌ای جهانی شدن، از منظر فرصت‌ها و محدودیت‌های بومی و جهانی، این پدیده بسیار قابل اهمیت است» (عاملی 1380، 171). یکی از فرصت‌های جهانی شدن در ساختار جامعه‌ی شبکه‌ای جدید ظهور یافته است. نتیجه این تکنولوژی پیشرفته ارتباطات، شبکه‌ای شدن ارتباطات انسانی در مقیاس محلی و جهانی و دگرگونی مفهوم زمان و مکان است. به زعم این گروه جهانی شدن هم تهدید زا<sup>67</sup> است هم فرصت‌ساز<sup>68</sup>. حیطة گسترده و حساس فرهنگ، از حوزه‌های مناقشه آمیز مورد مطالعه این دسته است. (حسینی لرگانی، 1390: 86 - 92) یکی از فیلسوفان اجتماعی این نگرش در این خصوص می‌نویسد: «فرهنگ‌ها نه تنها ایستا و درخود بسته و یک‌دست نیستند، بلکه چهارراه‌هایی هستند که در آنها مهارت‌ها و منابع حیاتی مبادله می‌شود».

شواهد حاکی از آن است که ما از دو دهه پیش، همزمان با رویارویی با پدیده جهانی شدن، و بالاخص از یک دهه پیش در مواجهه با بُعد سخت‌افزاری آن (ورود تکنولوژی‌های ارتباطی؛ اینترنت، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای و موبایل)، از تهدیدها و خطرات این پدیده جهانی مصون نمانده‌ایم. طرح مفاهیم و ادبیاتی چون: استعمار فرهنگی، شبیخون فرهنگی<sup>69</sup>، تهاجم فرهنگی، شکاف نسلی<sup>70</sup>، گسست فرهنگی<sup>71</sup> و بحران هویت<sup>72</sup> از سوی متفکرین و اندیشمندان جامعه، نشان از بروز یک مساله و بحران فرهنگی می‌دهد. (صیادی، 1383: 140 - 147).

Americantion<sup>66</sup>  
Threat agents<sup>67</sup>  
Generating opportunities<sup>68</sup>  
Cultural ambush<sup>69</sup>  
Generation gap<sup>70</sup>  
Cultural discontinuity<sup>71</sup>  
Identity Crisis<sup>72</sup>

## مبانی و شاخص‌های سبک زندگی اجتماعی در اسلام

یک امر بدیهی و روشنی وجود دارد و آن هم این است که وقتی شما می‌خواهید یک مدل - الگو و سبک زندگی تدوین کنید باید مبانی و مؤلفه‌های اصلی موضوع را تدوین کرد.

رهبر معظم انقلاب در جمع جوانان در خراسان شمالی سه مؤلفه خردگرایی، اخلاق و حقوق را به عنوان منبع و مؤلفه تولید و تبیین سبک زندگی دینی دانستند که ما می‌توانیم بر پایهٔ توجه دادن و متمرکز کردن مردم در بحث معنای زندگی و موضوع ایمان و غایت زندگی و همچنین مفاهیمی چون مسؤولیت پذیری، پیشرفت همه‌جانبه در ابعاد علمی، اخلاقی، عدالت عمومی، رفاه، معنویت، استقلال سیاسی و عزت بین‌المللی و... به عنوان مؤلفه‌های پارادایم‌های سبک زندگی اسلامی این مفاهیم، را در جامعه پیاده کنیم و به جهانیان نشان دهیم.

افق جامعه پیشرفته یا نهایت یک جامعه پیشرفته از منظر سبک زندگی اسلامی چگونه است؟

یکی محورهای سخنان رهبر معظم انقلاب در خراسان شمالی بحث پیشرفت بود. ما باید میان پیشرفت از منظر سبک اسلامی و غربی تمایز قائل شویم. به طور کلی از منظر فلسفه زندگی در غرب که برگرفته شده از تحولات مدرنیسم و مدرنیته است آنچه که مهم و حیاتی است فرد و منافع فردی و دنیوی و هدف‌ها و شاخصه‌هایی که برای رفاه و ارضای جسمانی و مادی افراد نقش دارند مهم تلقی می‌شود لذا مواردی چون معنویت‌گرایی<sup>۷۳</sup>، تقدس‌گرایی و مواردی که ربطی با دین داشتند را از صحنه زندگی کنار گذاشتند.

لذا ترویج‌کننده افکار شیوه و سبک زندگی دنیوی، اومانستی<sup>۷۴</sup> که همه چیز را مادی‌گرا و مادی می‌داند. نهایتاً باطن فرهنگ غربی سبک زندگی مادی و ماتریالیستی<sup>۷۵</sup> و شهوت‌آلود، هویت زدا و ضد معنویت و رواج دهنده و عادی‌سازی گناه است، به طوری که هم‌جنس‌بازی را به عنوان یک قانون و قاعده قلمداد می‌کنند و حتی سیاستمداران زیادی را زیر سؤال می‌برند که چرا او باهم جنس‌بازی مخالف هست و خروجی این فرهنگ و سبک زندگی انحطاط و نابودی اخلاق، مذهب، معنویت و فروپاشی و سست شدن بنیان‌های خانواده و افزایش جرم و جنایت، مشکلات فراوان روحی روانی و گسترش اعتیاد به مواد مخدر - مشروبات الکلی که عقل را به کلی ضایع می‌سازد منجر شده است.

ولی از منظر اسلام انسان یک موجودی است که دارای فطرت و خصلت‌هایی است لذا فقط برای این به وجود نیامده است که دنبال منافع مادی و لذات دنیوی و یک زندگی پوچ و عبث و بی‌معنی داشته باشد، لذا پیشرفت از نگاه اسلام در دو بعد مادی و معنوی است که اولی مقدمه‌ای برای دومی است و آنچه مهم و اصیل است بحث معنوی است و ما می‌توانیم با سبک زندگی اسلامی و مبتنی بر معنویت به آن فطرت‌خداایی و اکمل کمالات و سعادت که قبلاً داشتیم دوباره برسیم. و اگر ما فقط دنبال منافع مادی باشیم به حقیقت و رستگاری و فلاح نخواهیم رسید (عباسی، 1388: 40).

بنابراین پیشرفت از نظر سبک زندگی اسلامی به معنای حقیقت‌جویی و تلاش برای رسیدن به فلاح و رستگاری است که سایر ابعاد مادی هم در آن به وجود می‌آید که اگر ما این پیشرفت را مد نظر داشته باشیم

Spiritually oriented<sup>73</sup>

Humanism<sup>74</sup>

Materialism<sup>75</sup>

منجر به ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌شود در اینجا باید اشاره شود که از نظر تمدن نوین اسلامی پیشرفت دو بعد دارد:

1) بعد ابزاری: شامل همین ارزش‌ها که امروزه به عنوان پیشرفت و توسعه زندگی مطرح هستند مثل علم، صنعت، اقتصاد، اقتدار سیاسی، نظامی، اعتبار بین‌المللی و تبلیغ و ابزارهای تولید که ما در این زمینه‌ها به رغم فشارها، سختی‌ها، تحریم‌ها پیشرفت‌های بسیاری کرده‌ایم.

2) بعد حقیقی، اصلی و متنی: این بعد بخش اصلی زندگی ما را نشان می‌دهد که همان سبک زندگی است که بخش اصلی و حقیقی تمدن است که شامل مواردی چون: مسأله خانواده (سبک ازدواج - مسکن - نوع لباس - الگوی مصرف - تفریحات و...) را در برمی‌گیرد مسأله زبان، کسب‌وکار، رفتار و اخلاق ما در (دانشگاه - محل کار - ورزش و...) رفتار ما نسبت به دوست و دشمن و... که این‌ها بخش اصلی هر تمدن و متن زندگی هستند. متأسفانه ما در بعد دومی نسب به بعد قبلی پیشرفت چندانی نکردیم لذا باید تبیین و آسیب‌شناسی کرد (1391 / 7 / 22)

رهبر انقلاب در توضیح سبک زندگی و فرهنگ زندگی به مسائلی نظیر: خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، کسب‌وکار، تفریحات و رفتارهای فردی و اجتماعی تأکید می‌کنند و سبک زندگی را شامل همه مسائلی می‌دانند که در متن زندگی انسان نقش دارند و در جایی دیگر می‌فرمایند «سبک زندگی آنقدر مهم است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت‌های آن کشور در بخش سبک زندگی و فرهنگ صورت می‌گیرد».

رهبر انقلاب در رابطه با سبک زندگی، ما همانند علم و صنعت در گذشته قوی و قدرتمند بودیم ولی به موازات یکسری پیشرفت‌های چشمگیر اخیر در عرصه علم و تکنولوژی متأسفانه در عرصه سبک زندگی پیشرفت چندانی نکردیم.

ایشان بزرگ‌ترین معضل کشور را در پاسخ دادن به این سؤالات کلیدی می‌داند

- 1) چرا در ایران فرهنگی کار جمعی ضعیف است؟
- 2) چرا روابط متقابل در ایران رعایت نمی‌شود؟ چرا در مواردی چون رانندگی - تفریح سالم - فرهنگ و الزامات آپارتمان‌نشینی نشین - معاشرت‌های روزانه فرهنگ انضباط رعایت نمی‌شود؟
- 3) علت قانون‌گریزی در برخی موارد در ایران چیست؟ چرا وجدان کاری - انضباط اجتماعی در ایران این قدر ضعیف است؟
- 4) چه قدر به تولیدات داخلی و حمایت از تولید ایرانی اهمیت می‌دهیم؟ چرا این قدر حرف‌های خوب در حد رؤیا و حرف است و اصلاً در بحث عمل هیچ کار مثبتی دیده نمی‌شود؟
- 5) چرا مصرف‌گرایی برای عده‌ای افتخار و نشان از مدرنیت - با کلاسی و با فرهنگی در نظر گرفته می‌شود و میزان سرانه مصرف ما در تمام امور خصوصاً وسایل آرایشی حرف اول را در جهان می‌زند؟
- 6) چه کنیم که همه افراد جامعه به آن منزلت و فطرت خدا گونه نزدیک شوند و زن هم کرامت - عزت و عفت خود را در جامه حفظ کند و مورد چشم‌چرانی عده‌ای هوس‌باز قرار نگیرد؟ (همان و ر.ک. 1390: 27)

(مهر)

**اهمیت و ضرورت پرداختن به سبک زندگی**



شاید در نگاه اول هرکس با این سؤال مواجه بشود در نظر او سؤالی تکراری و ساده به نظر برسد اما برعکس این سؤال خیلی پیچیده و پرداختن به آن بسیار ضروری و لازم است و شاید مشکل اساسی کشور ما در پاسخ به همین سؤال است.

به همین جهت است که رهبر معظم انقلاب سبک زندگی را «بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی و در واقع لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی خواندند» (همان) و مهم‌ترین رسالت راهبردی فرهنگی کشور می‌دانند و بر تحقق یافتن سبک زندگی اسلامی و داشتن و طراحی یک الگو و نقشه جامع و برنامه‌ریزی دقیق مبتنی بر تحلیل را یک امر اساسی و ضروری بر عهده دستگاه‌های فرهنگی اجتماعی می‌داند.

اهمیت فرهنگ و سبک زندگی در تحولات اخیر به حدی است که برخی اندیشمندان از ظهور قاره ششم سخن می‌گویند. بسیاری نیز قرن بیست و یکم را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌نامند در نتیجه جهانی شدن روابط اجتماعی در سراسر جهان تشدید و جوامع دور از هم به یکدیگر نزدیک شده‌اند. حوادث مرکز و تحولات به نحوی دیالکتیکی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در نتیجه برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل در میان جوامع افزایش می‌یابد. از این رو فرهنگ از بسیاری جهات مستقیم‌ترین، بدیهی‌ترین و قابل رویت‌ترین عنصری است که از طریق آن، این پیوندها در زندگی روزمره تجربه می‌شوند. جامعه انسانی در نتیجه جهانی شدن، مشروط به حدی شده است که در آن نظام فرهنگی به طور نسبی بر نظام‌های اقتصادی و سیاسی تأثیر می‌گذارد و به گفته واترز<sup>76</sup> می‌توان انتظار داشت که اقتصاد و سیاست تا آنجا جهانی شوند که با فرهنگ در آمیخته‌اند (کچوئیان، 1386: 122-127).

امروزه بی‌تردید هیچ حوزه علمی و معرفتی نیست که متأثر از مجموعه تحولات دهه متأخر قرن بیستم، که از آن به عنوان جهانی شدن تعبیر شده است، نباشد. تک‌تک جوامع به میزان پتانسیل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، درگیر این پدیده‌اند. بُعد سیاسی و بالأخص بُعد اقتصادی جهانی شدن به دلیل ملموس بودن و عینی بودن تغییر و تحولات آن‌ها، مقدم بر ابعاد دیگر، مورد توجه اندیشمندان و متفکرین اجتماعی و انسانی قرار گرفته‌اند. این تأخیر در عطف نظر به حوزه فرهنگی، باعث فقر منابع نظری و فکری در این حوزه گردیده است. اما در چند سال اخیر با چرخش‌هایی که در حوزه‌های علوم انسانی، بالأخص علوم اجتماعی، صورت گرفته و عطف نظر به سوی فرهنگ و مسائل حوزه فرهنگی، باعث گردیده که بحث فرهنگی از حاشیه درآمده و به عنوان «عروس مباحث انسانی و اجتماعی» مطرح شود (صیادی همان: 140).

یک امر حقیقی و محتوم این است که پیشرفتی در تمدن نوین اسلامی حاصل نمی‌شود مگر با پیشرفت در سبک زندگی که جزء لازم و ملزوم آن است و عدم توجه به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی زمینه را برای نفوذ فرهنگ تهاجمی غرب که دنبال فرصتی برای حذف فرهنگ و شیوه زندگی اسلامی و دسترسی به اهداف شوم و پلید خود هستند فراهم می‌کند.

76 Waters

به نقل یکی از روانشناسان که در حوزه مشاوره کار می‌کند «تحقیقات نشان می‌دهد که خیلی از طلاق‌ها کمتر به خاطر بیکاری شوهرانشان و مشکلات اقتصادی است آنچه که خانواده را در معرض طلاق قرار می‌دهد، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی است، لذا مشکل اساسی زندگی اجتماعی ما دروغ - دو رنگی - شجاعت و صداقت نداشتن است که همگی به طور مستقیم با سبک زندگی ارتباط دارند(قبیطی، 1391: 44).

لذا به نظر می‌رسد آنچه که این جامعه و آینده آن را تهدید می‌کند نه مسائل اقتصادی است و نه مسائل نظامی امنیتی بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی است و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی است که اساس و بنیان خانواده‌ها را هدف گرفته‌اند.

متأسفانه کشور ما در طی سال‌های اخیر راه و روشی را طی کرده است که کشورهای غربی طی کرده‌اند و اگر به این روند ادامه بدهیم چه بسا به مشکلاتی چون: فروپاشی خانواده، بیماری‌های روحی روانی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی گریبان گیر کشور و حذف فرهنگ و هویت انسانی اجتماعی گردد.

لذا تنها راه برون‌رفت از این جریان توجه جدی به سبک زندگی آن هم با رویکردی دینی که هدف خود را رسیدن به کمال و سعادت انسانی - رسیدن به آرزوهای متعال و دست یافتن به سرشت فطری خدایی انسان و به طور کلی سعادت واقعی افراد برنامه و هدف دارد بنابراین توجه جدی به سبک زندگی ایرانی - اسلامی امری بسیار مهم به حساب می‌آید. (همان)

#### آسیب‌شناسی سبک زندگی

سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری بخش اساس و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی و مسأله‌ای که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد خواندند و معتقدند که پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد که بعد ایزاری تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند وسیله‌ای برای دست‌یابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی که همان سبک زندگی است می‌داند.

همواره سبک زندگی برای مقام معظم رهبری مهم بوده و اگر شما به همین نام‌گذاری سال‌ها در دو دهه گذشته نگاه کنیم، شاهدیم که تمام هم و غم او ارتقای سطح فرهنگی و سبک زندگی جامعه بوده است در این میان به علت ریخت و پاش‌های فراوان - عدم وجدان کاری - نبود نظم و انضباط اجتماعی و... است که ایشان از نام‌هایی چون: **وجدان کاری و انضباط اجتماعی، انضباط اقتصادی و مالی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهادی اقتصادی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و...** برای نام‌گذاری سال‌ها استفاده می‌کنند که این نشان از اهمیت سبک زندگی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و دغدغه اصلی رهبر رانشان می‌دهد

طبق گفته مقام معظم رهبری قدم اصلی و گام اولی در سبک زندگی تبیین و تحلیل و بررسی نقاط ضعف و قوت و به طور کلی آسیب‌شناسی باید در رأس برنامه‌ها و اولویت‌ها قرار گیرد و معتقدند ما پس از پیروزی انقلاب در سایر بخش‌های علمی، فناوری، تکنولوژی به پیشرفت‌های مهمی دست پیدا کرده‌ایم ولی در عرصه فرهنگ و سبک زندگی به اندازه این‌ها پیشرفت چندانی نکردیم لذا آسیب‌شناسی یک امر مهم و بسیار جدی به حساب می‌آید.

در رابطه با آسیب‌شناسی سبک زندگی باید به دو مورد اشاره کرد:

1) موارد خارجی و بیرونی: که ناشی از برنامه‌ریزی دشمن برای غربی کردن سبک زندگی مردم و کم رنگ کردن ارزش‌ها و فرهنگ‌های اصیل مخالف ارزش‌ها و هنجارهای اصیل خود مثال اسلام که رهبری از آن تحت عنوان جنگ نرم، شیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و... اشاره می‌کند که با دادن وعده وعیدهای جذابی چون آزادی، جهانی‌سازی رفاه و... درصدد رایج کردن و تحمیل کردن ارزش‌های فرهنگی تجملی - مصرفی برای تکاپوی امپریالیستی و فرهنگ سرمایه‌داری خود هستند، که این در کل ذات فرهنگ سرمایه‌داری که دنبال سود و فروش محصولات بادی‌های برنجی فرهنگ خود است بنابراین بیشتر تهاجمی است تا تدافعی که در سخنان رهبری با تأکید ذات فرهنگ غرب را تهاجمی می‌داند (91/3/13)

2) اما دسته‌ای دیگر مربوط به مشکلات و معضلات داخلی کشور و آسیب‌های موجود در سبک زندگی فعلی است که همه‌ی این مشکلات ریشه در فرهنگ درون جامعه دارد که بیش تر این‌ها ناشی از فاصله گرفتن افراد جامعه از شریعت اسلامی و دستوره‌های دینی است لذا ما شاهدیم هر وقت ما از این برنامه مدون و جامع دینی فاصله گرفتیم و عزم جدی برای تحقق و پیاده‌سازی این دستورات نداشتیم شاهد ایجاد خلل و نقص‌هایی در فرهنگ عمومی و رفتار اجتماعی بوده‌ایم.

در رابطه با جهانی شدن فرهنگ و رویکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران باید گفت: اول اینکه دو نوع نگاه پروژه محور و پروسه محور نسبت به این رویداد در جهان وجود دارد بنابراین رویکرد ما باید این را در نظر بگیریم که جهانی شدن فرهنگ چه پروژه باشد و چه پروسه اتفاقی است در حال افتادن که روزبه‌روز به شدت این جریان سیل‌آسا افزوده می‌شود که هر چیز و هر کسی که سر راه خود باشد را با خود می‌برد لذا جهان دارد به سمت یک دهکده‌ی جهانی پیش می‌رود. امروزه انقلابی شگرف در فنون ارتباطی - اطلاعاتی رخ داده که نه تنها ما بلکه پیشرفته‌ترین کشورها هم نمی‌توانند مقابل این حرکت بایستند و در مقابل آن رویکردی انزوا بگیرند و از طرفی دیگر شناخت تهدیدها در عرصه نگاه پروژه محور به این پدیده و تبدیل این تهدیدها به فرصت به واسطه فشرده‌گی زمانی و مکانی سعی در شناخت عناصر فرهنگی، گزینش و جذب براز عناصر فرهنگی هستیم و در چنین فضایی انفعال فرهنگی با توجه به غنی بودن فرهنگ و تمدن ما جایی ندارد بنابراین باید زمینه تعامل فرهنگی جهت پویایی و سیال بودن فرهنگ را مهیا کرد (اویسی، 1382: 156).

گسترش و احیای آموزه‌های جهانشمول چه از لحاظ دینی - عقیدتی و چه فرهنگی تمدنی که داعیه‌دار جهانشمول هستند در پی گسترش و پیشرفت انقلاب ارتباطی بهترین فرصت را برای ما جهت انتشار آن‌ها به سراسر جهان فراهم کرده است. فراینده و تجربه نشان داده است که مقاومت افراطی و پذیرش افراطی در تمام طول تاریخ جز سقوط، تباهی و انحطاط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها چیزی را در بر نداشته است لذا اعتدال و میانه‌روی می‌تواند بستر مناسبی در جهت احیای قدرت، پیشرفت، عزت و کرامت انسانی ما در مسیر تعامل با سایر فرهنگ‌ها را در بر داشته باشد لذا می‌تواند به عنوان الگو مدلی در اختیار مسئولان و دست اندر کاران ما برای آسیب‌شناسی رفتاری و گفتاری خود جهت تأثیرگذاری ما در سطح جهان بشود (سریع القلم، 1384: 73-74)

(90)

لذا در زمانی که سبک زندگی به شدت مورد توجه است و کشورهای غربی بعد از تغییر و تحولات خصوصاً اواخر قرن بیستم که شاهد انقلاب انفورماتیک و ارتباطات هستیم و تمام تمرکز خود را روی بحث مسائل فرهنگی ارزشی قرار داده‌اند بنابراین نهادها و متولیان فرهنگی - گروه‌های مرجع - نخبگان - رسانه ملی، سینما، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، سازمان‌های تبلیغات اسلامی و... به طور کلی تمام مردم باید نقش خود را به درستی انجام بدهند. بنابراین باید مواردی چون:

- 1) رعایت احکام و شؤونات اسلامی و اشائه ی فرهنگ دینی
  - 2) تکیه بر عناصر مثبت فرهنگ خودی در مواردی چون: صلہ رحم - احترام به والدین و بزرگ‌ترها - دستگیری از تهی‌دستان - ارزش دادن به مشاغل فرهنگی - توجه به نظم و برنامه‌ریزی در زندگی و....
  - 3) تأکید بر جنبه‌های درخشان تاریخ ملی - اسلامی
  - 4) تأکید بر جنبه‌های ناسالم فرهنگ غرب
  - 5) تأکید بر جنبه‌های مثبت دست آورد هادی انقلاب اسلامی
  - 6) پرهیز از به کار بردن نمادهای فرهنگ غرب و..... را در دستور کار خود قرار دهند
- تغییرات سبک زندگی بشر امری محتوم و حتمی است و بشر به عنوان یک موجودی اجتماعی و تکامل گرا در حال پیشرفت از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر زندگی خود هست و ابزار این پیشرفت هم تعامل و ارتباط با دیگر افراد بشری است

### نتیجه‌گیری

سبک زندگی در تمام ادوار تاریخ بشریت مورد تأکید بوده است ولی بی‌تردید در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشریت مثل امروز سبک زندگی و فرهنگ و ارزش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به تغییر و تحولات رخ داده در جهان خصوصاً در نیمه‌ی دوم قرن بیستم که در عرصه فناوری ارتباطات و اطلاعات به وجود آمد که خیلی‌ها این دوران را " عصر انفجار اطلاعات " می‌دانند یا به قول مک لوهان جهان به یک " دهکده جهانی " تبدیل شده است.

لذا ما شاهدیم کشورهای غربی به مدد همین تحولات، از طریق تبلیغات فراوان چه در اینترنت، ماهواره، فیلم‌ها و... در پی تحمیل و صادر کردن فرهنگ و سبک زندگی به کشورهای دیگر هستند که با توزیع وسایل ارتباط جمعی، جریان آزاد اطلاعاتی، محدود شدن مرزهای جغرافیایی کشورها و عدم توان دولت‌ها در حفاظت و پاسداری از مرزهای ملی مثل گذشته، رسانه‌های خبری و اعمال فشار بر کشورها، امکان مصادره و تحمیل فرهنگ آن‌ها تا حدودی فراهم شده است.

فرهنگ تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، مد گرایی و هزاران موارد دیگر که این روزها خصوصاً در شهرهای کلان به وضوح دیده می‌شود زمینه را برای تضعیف ریشه‌های بنیادی ارزشی - دینی - خانواده و افزایش طلاق، مشکلات روحی روانی فساد که پیامدهای سبک زندگی سرمایه‌داری است و فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی و معنویت‌گرایی است را فراهم می‌کند و اگر با همین شرایط پیش رود این مشکلات در جامعه گسترش پیدا می‌کنند و باعث از بین رفتن و فروپاشی اساس خانواده، مذهب معنویت و نابودی زندگی همه مردم گردد.

بنابراین در تأیید فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد مهندسی فرهنگی، باید الزام یک رویکرد فرهنگی پیوسته و طراحی یک الگو و نقشه جامع و برنامه‌ریزی دقیق مبتنی بر تحلیل، عدم توجه به شعار و تئوری و برنامه‌های مقطعی و زودگذر، به عنوان یک امر اساسی و در اولویت تمام دست‌اندرکاران و متولیان فرهنگی نظام و تمام ملت قرار گیرد.

علی‌رغم تفاسیر و تحلیل‌ها، موافقت‌ها - مخالفت‌ها، جهانی شدن نه خیر است و نه شر بلکه فرصتی است که همه می‌توانند به عنوان یک منجی باشند لذا هم چالش است و هم تهدید (که اگر نتوان از ظرفیت‌های این فرآیند به گونه‌ای کارآمد بهره‌مند گردید و برنامه‌ها، سیاست‌ها و رفتارها را در قبال آن به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده فراهم ساخت ضربه‌ای سخت بر شما وارد خواهد ساخت با وجود تمام حب و بغض‌هایی که در خصوص پدیده‌ی جهانی شدن و تأثیرات آن بر فرهنگ جوامع وجود دارد؛ نمی‌توان، برای ایجاد یک تحول نتیجه‌بخش، با گفتمان تسلیم و تعقیب یا نگرش اعراض و ستیز به سراغ این پدیده رفت. هر دوی این رویکردها مختم به شکست‌اند و نتیجه‌ای جز، اضمحلال فرهنگی و تاراج فرهنگی در بر نخواهند داشت. رویکردی که می‌تواند چاره‌ساز و تحول‌آفرین باشد رویکردی است که با گفتمان انتقادی فرهنگی چالش‌ها و تهدیدها را در کنار فرصت‌ها نشان می‌دهد و به جای تسلیم یا ستیز، قائل به بازیگری فعالانه و نقادانه است. بر این اساس: در سطح کلان و در عرصه جهانی، بنا بر شواهد تاریخی سهم ایران در عرصه جهانی همیشه تشویق‌رو اداری و تبلیغ‌کنش موثر با دیگر تمدن‌ها بوده است، امروزه نیز جامعه ایران برای احیاء و ایفای دوباره این نقش تاریخی باید به ساخت و باز ساخت مداوم سرمایه‌ی فکری و انسانی خود پردازد. ثروت‌های طبیعی و خدادادی از اختیار آدمی خارج‌اند، یا وجود دارند یا ندارند. درحالی که محیط فرهنگی، آموزشی و تربیتی قابل دست‌آموزی است و می‌توان با آموزش و سوق آن به سمت اهداف فرهنگی خود، تحول ساز شد. در سطح ملی و داخلی هم، تجدید نگرش به فرایندهای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری و شناخت نیازهای جدید فکری و فرهنگی قشر جوان و نوجوان (که در مواجهه با انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی متأثرتر از سایر اقشار جامعه هستند)، شرط لازم برای ایجاد تحول فرهنگی در حال حاضر است. در خصوص تکنولوژی ارتباطات و رشد بی‌سابقه آن، لزوم توجه جدی به حوزه‌های نظری و تقویت ابعاد نظری و فکری متناسب با این پیشرفت، ضروری به نظر می‌رسد. گو این‌که اکثر کشورهای صنعتی این ضرورت را دریافته و عملی ساخته‌اند. راه‌کارهایی که امروزه این کشورها، در برخورد با موج تکنولوژی ارتباطی، در پیش گرفتند؛ تدوین برنامه‌های آموزشی و پرورشی (سواد اطلاعاتی یا رسانه‌ای) متناسب با دوره‌های سنی و اجرای آن از مقاطع مختلف آموزشی بوده است، این نیاز برای جامعه ما ضروری‌تر است

منابع و مأخذ

اخوان زنجانی، داریوش، (1381) **جهانی شدن و سیاست خارجی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل

افروغ، عماد و دیگران (1388) **جهانی شدن و جهان اسلام - کنفرانس بین المللی وحدت اسلام (شانزدهمین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی**

افروغ، عماد (1387) **ما و جهانی شدن**، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر

افروغ، عماد (1384) **اسلام و جهانی شدن**، تهران: کانون اندیشه ی جوان

اویسی، حسین و عباس بخشی (1382) **جهانی شدن بیم ها و امید ها**، تهران: حدیث امروز

آزادآرمکی، تقی (1377) **تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره**، تهران: انتشارات سروش

آزادآرمکی، تقی (1386) **فرهنگ و هویت ایران و جهانی شدن**، تهران: انتشارات

باقری نصر آبادی، علی نوریه شادالویی هادی طاهری (1390) **فرهنگ و جهانی شدن**، قم: یاقوت

باهنر، محمدجواد (1387) **مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب سلامی**، تهران: نشر شاهد.

بشیریه، حسین (1380) **فرایند جهانی شدن**، تهران: نشر نی.

شهرام نیا، سید امیر مسعود (1386) **جهانی شدن و دموکراسی در ایران**، تهران: نشر نگاه معاصر.

بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس اساتید دانشگاهای جهان اسلام و بیداری اسلام 91/09/21.

تارو، لستر (1383) **برندگان و بازندگان جهانی شدن**، مترجم مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات

علمی فرهنگی

جواهری، محمد رضا (1382) **جهان شمولی اسلام و جهانی شدن اسلامی**، رویای جهانی سازی غرب،

مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی اردیبهشت 1382

چالمرز، آلن آف (1379)؛ **چیستی علم درآمدی برمکاتب علم شناسی؛ ترجمه سعید زیبا کلام؛ تهران: سمت.**

حسینی لرگانی، محسن، محمد حسینی لرگانی (1390) **جهانی شدن و نگرش جمهوری اسلامی ایران**، تهران:

آرون

حقیقی، عدالت با راهنمایی محمود تقی زاده، (1391) **جهانی شدن و تأثیر آن بر فرهنگ شیعی ایران**، قم

شیعه شناسی

دوست محمدی، احمد (1380) **انقلاب اسلامی، تجدید حیات اسلام، نظریه ی برخورد تمدن ها**، تهران:

مجله دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی شماره 54

سبحانی نیا، محمد (1387) **کارکرد دین در زندگی بشر**، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

سجادی، عبدالقیوم (1382) **اسلام و جهانی شدن**، منبع باشگاه اندیشه

سخنان مقام معظم رهبری در جمع نخبگان 91/7/13

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار جوانان دانشجویان و معلمان در سفر به خراسان شمالی 91/7/22

سخنان مقام معظم رهبری در سفر به کرمانشاه 27 مهر ماه 1390.

سریع القلم، محمود (1384) **ایران و جهانی شدن چالش ها و راه حل ها**؛ تهران: انتشارات مجمع تشخیص

مصلحت نظام مرکز تحقیقات استراتژیک.

سریع القلم، محمود (1390) **اقتدار گرایی ایران در عصر قاجار تهران**، فروزان روز.

سریع القلم، محمود (13869) فرهنگ سیاسی ایران؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی اجتماعی.

صیادی، ابوالقاسم (1383) انقلاب اسلامی ایران و چالش‌های جهانی شدن فرهنگ، زنجان: نیکان کتاب

ضابطی، معین (1390) جهانی شدن و اسلام سیاسی، تهران: انتشارات روانشناسی

فکویاما، فرانسیس (1372) فرجام تاریخ و واپسین انسانها، ترجمه علی رضا طیب، سیاست خارجی، سال هفتم

فوکو، میشل (1384) ایران روح جهان بی روح ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.

فوکو، میشل (1386) ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؛ ترجمه حسین معصومی همدانی؛ تهران: انتشارات هرمس.

قادری، حاتم (1389)؛ اندیشه سیاسی در قرن بیست؛ تهران: سمت.

قیبطی، فهیمه (1391)؛ رشد طلاق در سایه‌ی سبک زندگی وارداتی؛ تهران.

کاظمی، علی علی اصغر (1380) جهانی شدن فرهنگ و سیاست (نقد و تحلیل نظری، معرفتی شناختی)، تهران: نشر قومس

کچوئیان، حسین (1386) نظریه جهانی شدن پیامدها چالش‌های فرهنگ و دین، تهران: نی

گل محمدی، احمد (1386) جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.

لنین، ولادمیر ایلیچ (1375)؛ امپریالیسم آخرین مرحله سر مایه داری؛ ترجمه مسعود صابری؛ تهران: نشر طلایه پرستو.

محمدی، علی (1387) جهانی شدن و استعمار دوباره: مورد شناسی کشورهای اسلامی در قرن 21 تهران: نشر نی

محمدی، منوچهر (1381)؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران؛ تهران: امیر کبیر.

مطهری، مرتضی (1376)؛ خدمات متقابل ایران و اسلام؛ تهران: انتشارات صدرا.

مظفری، مهدی (1387) جهانی شدن و تمدن‌ها، ترجمه و گردآوری گودرز میرانی - کورش بختیاری، تهران: فخرაკیا،

مقام معظم رهبری؛ سخنان مقام معظم رهبری در سفر به خراسان شمالی 19 مهر 1391.

منوچهری، محسن (1387)؛ مبانی جامعه‌شناسی عمومی؛ تهران: انتشارات طیران.

نخستین نشست «اندیشه‌های راهبردی» در جمهوری اسلامی ایران در دیدار رهبر انقلاب و جمعی از اساتید، صاحب نظران دانشگاهی و حوزوی در باره‌ی هم‌اندیشی و بررسی مبانی ف و ویژگی‌ها و ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

نش، کیت (1387) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر

نکوئی سامانی، مهدی (1387) دین و فرآیند جهانی شدن، تهران: مؤسسه بوستان کتاب

نوازی، بهرام (1382)؛ جهانی شدن و پیامدهای آن برای ایران؛ تهران: نگارش علوم.

نیچه، فردریش (1381)؛ غروب بتها؛ ترجمه داریوش آشوری؛ تهران: نشر آگه.

هانتینگتون، ساموئل (1380) تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه مینو احمدی سرتیپ، تهران: کتاب سرا

هلد، دیوید، مک گرو(1388) نظریه های جهانی شدن ، مترجم مسعود کرباسیان، تهران : نشر چشمه  
هودشتیان، عطاء(1380) مدرنیته جهانی شدن و ایران ، تهران :